

۴. فضل زیارة الحسين، اثر محمد بن علی الشجرى م ۴۴۵ ق؛
 ۵. المزار، اثر محمد بن المشهدی (م ۶۱۰ ق)؛
 ۶. مصباح الزائر، اثر سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق)؛
 ۷. المزار، اثر شهید اول (م ۷۸۶ ق)؛
 - اکنون با معتبرترین کتاب مزار، که از قرن چهارم هجری به یادگار مانده است، آشنا می شویم:
- معرفی کتاب کامل الزیارات**
- نویسنده این کتاب از علمای جلیل القدر شیعی و شاگرد کلینی است و بزرگی چون شیخ مفید، افتخار شاگردی او را دارد. او کتاب های متعددی تدوین کرده است که همگی برگرفته از اصول اولیه یا روایات متصل و با اسناد خویش است.
- مؤلف**
- شناسه: ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی، مشهور به ابن قولویه از عالمان برجسته و مشهور در قرن چهارم هجری است. خاندان و فرزندان وی همگی از دانشمندان و علاقه مندان به دانش بوده اند. او را شخصیتی مورد اطمینان^۱ و از بزرگان حدیث و فقه و از ثقات اصحاب شیعه^۲ معرفی کرده اند. نجاشی در رئای وی نوشته است: هر زیبایی و علمی که مردم را به آن وصف نمایی، برتر از آن را در جعفر بن محمد بن قولویه خواهی یافت.^۳
- ابن قولویه سی سال آخر عمر خود را برای تعلیم و تربیت به بغداد سفر کرد و در مراکز علمی آن شهر به تدریس پرداخت. تألیفات او را به تعداد ابواب فقهی دانسته اند. سال وفات او را ۲۶۷ هجری گفته اند.^۵

۱. فهرست الطوسی، ص ۹۱، رقم ۱۴۱. جعفر بن محمد بن قولویه یکی ابوالقاسم، فقه
 ۲. رجال النجاشی، ص ۱۲۳، رقم ۳۱۸. کان ابوالقاسم من ثقات اصحابنا و اجماعهم فی الحدیث والفقہ.
 ۳. همان، ص ۱۲۳، رقم ۳۱۸.
 ۴. ابن سفر اینها به قصد زیارت خانه خدا و به عشق دیدار حضرت مهدی علیه السلام به هنگام نصب حجر الاسود، در سال ۳۰۸ یا ۳۰۹ هجری آغاز شد، ولی در عراق به مرضی سختی دچار و ناگزیر در بغداد ماندگار شد؛ برای اطلاع از این سفر، رک: التخریج و الجواز، ج ۱، ص ۴۷۵.
 ۵. رجال الطوسی، ص ۴۱۸، رقم ۶۰۳۸. قبر او در بغداد نزدیک مقبره مطهر کاظمین علیه السلام قرار دارد. شیخ مفید هم در کنار آرامگاه او مدفون است.

در قرن چهارم و پنجم تعداد مولفان و آثار روایی رو به فزونی نهاد. خوشبختانه بخش قابل توجهی از آثار دانشمندان این دو قرن تا امروز باقی مانده و زینبند کتابخانه های سراسر جهان است.

پس از یک دوران حدوداً سیصد ساله که آثار روایی کمتری تألیف شد، مجدداً در قرن های نهم تا دوازدهم نشاط علمی هویدا گشت و تألیفات حدیثی متعددی به بار نشست. و از قرن سیزدهم تا امروز تألیفات حدیثی پراکنده ای سامان یافته است. به لطف و توفیق حق تعالی و برکت نهضت همیشه ماندگار جمهوری اسلامی، پس از انقلاب اسلامی در ایران گسترش آثار حدیثی شیعه در قالب ها و طرح های متعدد بیش از پیش گسترش یافت.

با توجه به اینکه در مجموعه حاضر کتاب های جوامع حدیثی به صورت مستقل معرفی شده است، در این نوشتار، بعضی از کتاب های حدیثی را در دیگر سبک های نگارشی معرفی می کنیم. و از این گروه با عنوان تک نگاری یاد می کنیم. کتاب هایی که در این بخش بررسی می کنیم به سبک های مزارنویسی، سیره و تاریخ نگاری، احادیث عددی، مسند نویسی و غیبت نگاری است.

فصل اول: مزارنویسی

فزونی روایات مرتبط با زیارت نامه سبب گردید که گروهی از نویسندگان روایات مربوط به فضایل زیارت و آداب آن و نیز زیارت نامه های اهل بیت علیهم السلام را در کتابی مستقل گرد آورند. کتاب هایی که به این شیوه نگاشته شده اند، مزار نامیده می شوند. سبک مزارنویسی از شیوه های اختصاصی شیعیان و برگرفته از مبانی اعتقادی امامیه نسبت به امامان علیهم السلام است.

اگرچه این سبک تا دوران معاصر هم ادامه یافته، ولی بیشترین نگارش ها مربوط به قرن های سوم تا پنجم هجری است. نویسندگان مزارها کتاب هایشان را با عناوینی چون الزیارات، المزار، زیارة آبی عبدالله، مزار آبی عبدالله و... نام گذاری کرده اند. بعضی از مهم ترین کتاب هایی که تا کنون به سبک مزارنویسی تدوین شده عبارت است از:

۱. کامل الزیارات، اثر جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۷ ق)؛
۲. الدعاء و المزار، اثر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)؛
۳. المزار الصغیر یا مناسک المزار، اثر شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)؛

يَنْتَهِيهِمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ مُمْسِكٌ فَلَا يُزِدُهُ زَائِرًا إِلَّا اسْتَفْهَمَهُ وَلَا يُؤَدُّهُ مُؤَدِّجًا إِلَّا يَسْهُوَهُ وَلَا يُتْرَكُ إِلَّا غَادَهُ وَلَا يَمُوتُ إِلَّا صَلَّاهُ عَلَى جَنَازَتِهِ وَاسْتَفْهَمَهُ الْكَلْبُ بَعْدَ مَوْتِهِ.^۱

فصل دوم: سیره‌نگاری و تاریخ‌نویسی

با ظهور اسلام و آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توجه به تاریخ، سیره و جنگ‌های آن حضرت برای مسلمانان اهمیت پیدا کرد. چنانچه در بیانات امامان نیز ترغیب به مطالعه و تفکر در احوال پیشینیان دیده می‌شود.^۲ این تأکیدها سبب شد که نگارش‌های تاریخی در میان مسلمانان آغاز و به تدریج شکوفا گردد. جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلام می‌نویسد:

مسلمانان بیش از هر ملت دیگر، به استثنای مردمان عصر جدید، در علم تاریخ پیشرفت کرده و کتاب نوشته‌اند؛ به گونه‌ای که در کشف الظنون نام ۱۳۰۰ کتاب تاریخی ذکر شده است و این عدد به جز کتاب‌هایی است که در تاریخ تدوین شده و از دست رفته است.^۳

اولین نمونه‌های تاریخ‌نگاری در اسلام، آثاری است که بر محور شرح سیره و زندگانی پیامبر اسلام تألیف شده و در تدوین آن اصول علم حدیث رعایت شده است. این نوع تاریخ‌نگاری، که تا مدت‌ها اصالت و تأثر خود را حفظ کرد، در قالب خاصی به نام خبر یا اخبار جای می‌گیرد و مؤلفانی را که به این شیوه تألیف کرده‌اند، اخباری می‌خوانند.

کتاب‌هایی با عنوان اخبار یا عناوینی چون حدیث، فقه، مقتل، وقعه سیره یا السیر و امر مجموعه‌ای کامل از روایات درباره رویداد یا موضوعی خاص در قالب تک‌نگاری است.^۴

تاریخ‌نگاران شیعه

در میان شیعیان یا افراد متمایل به تشیع مورخانی چون سلیم بن قیس هلالی (م حدود ۹۰ ق) و ابو مخنف لوط بن یحیی آزدی (م ۱۵۷ ق) در سده دوم و مورخانی چون ابان بن عثمان (م ۱۰۵ ق)، شریح‌بیل بن سعد (م ۱۲۳ ق)، هشام بن محمد کللی (م ۲۰۴ ق)،

۱. کامل الزیارات، ص ۱۱۹، ح ۱.
۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱، نامه امام علی به فرزندان امام حسن علیه السلام.
۳. تاریخ تمدن اسلام، ص ۵۰۳.
۴. دانش نامه جهان اسلام، ج ۶، ص ۹۸.

کتاب

نام کتاب: فهرس نگاران از این کتاب با اسامی الزیارات،^۱ جامع الزیارات،^۲ المزار^۳ و جامع الزیارة یاد کرده‌اند، ولی نام مشهور آن کامل الزیارات است.

موضوع: کتاب کامل الزیارات مجموعه‌ای ارزشمند از روایات معصومین علیهم السلام در مورد شواب، فضیلت، آثار و شیوه زیارت معصومان علیهم السلام است. این قولیه زیارت‌نامه‌های وارده از معصومین را نیز در این کتاب گرد آورده است. گفتنی است بیشتر احادیث این کتاب به فضیلت و آداب زیارت و زیارت‌نامه‌های امام حسین علیه السلام اختصاص یافته است.

ویژگی‌ها

۱. این قولیه در دیباچه کتاب می‌نویسد:

تمام احادیث این کتاب از روایان مورد اعتماد شیعه گزارش شده و هیچ حدیثی از رجال شاذ نقل نشده است، بلکه تنها از روایانی گزارش کرده‌ایم که به حدیث و علم شهره بوده‌اند.^۴

۲. کامل الزیارات ۱۰۸ باب و ۸۴۳ روایت دارد.

۳. شیوه مؤلف بیان احادیث با سند کامل و متصل است و فقط اسناد بعضی از احادیث مرسل است.^۵

۴. مؤلف سعی کرده است روایاتی را در فضل زیارات تمامی معصومان ذکر و یا زیارت‌نامه‌های مأثور ایشان را تدوین کند.

به نظر می‌رسد که این قولیه به ائمه مدفون در عراق بیشتر توجه داشته است، چرا که احادیث مربوط به ایشان از دیگر معصومان بیشتر است.

در پایان روایتی را از کامل الزیارات در فضیلت زوار امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّازِيُّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ ثَعْلَبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام شُفِّتْ غُيُوبُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

۱. الرجال، نجاشی، ص ۱۲۳، رقم ۳۱۸.
۲. کامل الزیارات، ص ۱۶.
۳. ممکن است در بررسی‌های رجالی واسطه‌ها و حلقه‌های مفقودی اثبات گردد، اما تعداد آنها به اندازه‌ای نیست که شیوه مؤلف را دگرگون کند.
۴. التهرست طوسی، ص ۹۱، رقم ۱۴۱.
۵. همان، ص ۳۷.

رفت. در آن سال شهر بغداد باشکوه‌ترین و گسترده‌ترین تشیع جنازه راه خود دید. او را در حرم کاظمین علیه السلام و در کنار قبر استادش ابن قولویه دفن کردند.^۱

شخصیت علمی: او درخشان‌ترین چهره دانشمندان شیعی در عصر غیبت کبری است. شیخ مفید در تمامی علوم اسلامی از جمله کلام، فقه، حدیث، رجال و درایه متبحر و فرزانه و یگانه عصر خویش بود. وی بیش از دویست کتاب به رشته تحریر درآورد که بیشتر آنها در شکل‌گیری عقاید امامیه و بازسازی اعتقادات شیعی تأثیری به سزا داشته است.

کتاب

نام کتاب: الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، عنوان یکی از مشهورترین کتاب‌های شیخ مفید است. او این کتاب را به درخواست یکی از معاصرین خویش نگاشته است. این کتاب آن‌چنان شیوع و شهرت یافت که علامه مجلسی در مقدمه بحار الأنوار می‌نویسد: «کتاب إرشاد از مؤلفش مشهورتر است».^۲

موضوع: چنانچه از دیباچه و محتوای کتاب برمی‌آید، إرشاد بیانگر تاریخ اجمالی و مختصر زندگانی امامان دوازده‌گانه علیهم السلام است. البته او تنها به بیان تاریخی جریان‌ات اکتفا نمی‌کند، بلکه به تحلیل و بررسی تاریخی حوادث نیز می‌پردازد. خواننده می‌تواند فضایل و مناقب امامان را در کنار تاریخ زندگانی ایشان درآشوب بخواند. او با نگاهی عقل‌گرایانه، که برگرفته از مکتب علمی بغداد است، به معرفی تاریخی پیشوایان دینی می‌پردازد.

ویژگی‌ها

۱. شیوه کلی مفید در این کتاب تاریخ‌نگاری عمومی است.
۲. إرشاد پیرامون هر امام به موضوعاتی چون نص بر امامت، تاریخ ولادت، دلایل امامت، ملت خلافت، عمر شریف و ذکر وفات و محل قبر و اندکی هم از مناقب آن امام اشاره کرده است.

۱. شیخ طوسی، که خود در تشیع جنازه او حضور داشته است، می‌گوید: «روز وفات او از کثرت دوست و دشمن برای ادای نیاز و گریستن بر او همانند نظیر نداشته است. هشتاد هزار تن از شیعیان او را تشیع کردند و سید مرتضی علم‌الهدی بر او نماز گزارده و در حرم مطهر امام جواد علیه السلام، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن قولویه مدفون گردید» (ترجمه از ترجمه‌نوار جامع الاحادیث نور).

۲. بحار الأنوار ج ۱، ص ۱۹۷.

نصر بن مزاحم و سقری (م ۲۱۲ ق)، احمد بن اسحاق یعقوبی (زنده در ۲۹۲ ق)، ابن اعثم کوفی (م ۳۱۴ ق) و ابن هلال ثقفی (م ۲۸۳ ق).

غیر از افراد پیش‌گفته، دیگرانی نیز در سده سوم ظهور کرده‌اند، که اسامی ایشان در کتاب الفهرست ابن ندیم (مقاله سوم، فن اول) آمده است.^۱

گذشته از مورخان، که به صورت تخصصی به این‌گونه نگارش‌ها اشتغال داشتند، فقیهان و محدثان شیعه نیز گاهی بنا به نیاز جامعه و درخواست شاگردان خویش، کتاب‌های تاریخی حدیثی تدوین می‌کردند که از این میان می‌توان به دو کتاب الإرشاد و الجمل شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) اشاره کرد. از مجموع کتاب‌های تاریخی شیعیان بخشی تاکنون باقی مانده است که عبارت است از:

وقعة صفین، از نصر بن مزاحم؛ وقعة طف، از ابو مخنف آزدی؛ کتاب (اصل)، از سلیم بن قیس؛ الغارات، از ابن هلال ثقفی؛ الجمل، از شیخ مفید؛ الإرشاد، از شیخ مفید؛ التاریخ، از ابن اسحاق یعقوبی؛^۲ الفتوح، از ابن اعثم کوفی.

معروف‌ترین و معتبرترین کتابی که در زمینه تاریخ نگاری عمومی می‌شناسیم، کتاب الإرشاد، اثر شیخ مفید است که با جزئیات بیشتری از این کتاب آشنا می‌شویم.

معرفی کتاب الإرشاد

مؤلف

شناسه: محمد بن محمد بن نعمان؛ از آنجا که پدر وی به حرفه آموزگاری اشتغال داشت، او در عصر خویش به ابن‌المعلم مشهور بود. اما در قرن‌های بعدی شیعیان از او با عنوان «شیخ مفید» یاد کرده‌اند و این مشهورترین لقب اوست.

تاریخ حیات: وی در سال ۳۳۶ هجری در حوالی بغداد به دنیا آمد و پس از ۷۵ سال تلاش ستودنی در راستای اعتلای فرهنگ شیعه، در سال ۴۱۳ هجری از دنیا

۱. الفهرست ابن‌ندیم، ص ۱۹۰، ش ۱۵۰.

۲. جرجی زیدان در کتاب تاریخ تمدن اسلام می‌نویسد: «تا نیمه قرن سوم هجری کتب تاریخی مسلمانان و طبقات به تاریخ جنگ‌ها و فتح‌ها محدود بود. از آن زمان به بعد به تدوین تاریخ عمومی ممالک و ملل قدیم و جدید مشغول شدند و قدیم‌ترین تاریخ عمومی اسلامی، تاریخ ابن‌واضح، معروف به یعقوبی، در دو مجلد است که یک مجلد آن مربوط به تاریخ یهود و هند و یونان و روم و ایران و غیره و جلد دیگر راجع به تاریخ اسلام از آغاز تا زمان معتمد عباسی است که در سال ۲۵۶ هجری به خلافت رسید» (ص ۲۹۹).

را که بر امامت آن حضرت دلالت دارد، بیان می‌کند. وی در فصل مربوط به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روایاتی را که هر یک به صورت اجمالی یا تفصیلی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را اثبات می‌کند، آورده است. در روایتی از این مجموعه می‌خوانیم:

أخبرني أبو القاسم (جعفر بن محمد)، عن محمد بن يعقوب، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن سعيد بن غزوان، عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام قال: يكون بعد الحسين عليه السلام تسعة أمية، تأيسهم قائمهم.

مؤلف پس از ذکر سیزده روایت در این زمینه، خوانندگان را برای مطالعه بیشتر به کتاب الغيبة نعمانی ارجاع می‌دهد.^۱

فصل سوم: روایات عددی

در پاره‌ای از روایات از اعداد استفاده شده است. معصومان عليهم السلام برای تفهیم بهتر مقصود خویش به مخاطبان از عدد بهره جستند. در این گونه روایات، آنان آموزه‌های خویش را دسته بندی کرده و در ذیل دسته‌های شمرده شده به مخاطب منتقل کرده‌اند. این شیوه در آسان سازی فهم و یادگیری بسیار موثر است. امروزه نیز اساتید و سخنرانان زبردست برای انتقال بهتر و سریع تر مباحث خویش به دسته بندی گفتار خویش روی می‌آورند. در بین کتاب‌های حدیثی شیعه، کتاب خصال و کتاب مواظب العبادیه به همین شیوه تألیف شده است.

اگرچه شیخ صدوق در مقدمه کتابش مدعی شده که پیش از او کتابی به شیوه خصال تدوین نشده است، اما حقیقت آن است که پیش از او أحمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) در کتاب المحاسن کتابی را با عنوان القرائن نگاشته بود که دقیقاً به همین شیوه خصال است. البته به نظر می‌رسد که صدوق به طور کلی متأثر از آثار برقی بوده است. چه اینکه برقی یک قرن پیش از صدوق در کتاب معروف و جامع محاسن کتاب‌هایی را با عناوین کتاب ثواب الأعمال، کتاب عذاب الأعمال، کتاب العلل و کتاب

۱. وهذا طرف يسير مما جاني في النصوص على الثاني عشر من الأئمة عليهم السلام، و الروايات في كثير قدوة لها أصحاب الحديث من هذه العصابة وأئمتها في كتبهم المصنفة لهم من كتبها على الشرح والتفصيل محمد بن إبراهيم المكي أباعبدالله العملي في كتابه الذي رصقه في الغيبة، فلا حاجة بنا مع ذلك إلى إثباتها على التفصيل في هذا المكان؛ الإزادة، ج ۲، ص ۳۴۷-۳۵۰.

۳. تمام مطالب برگرفته از کتاب‌های پیشینیان است، ولی گاهی این اخبار را استناد کامل بیان می‌شود و گاهی نیز مؤلف بدون اشاره به نام گویندگان، تنها به گزارش جریانات می‌پردازد.

۴. هنگام استناد به احادیث معمولاً سند به طور کامل می‌آید.

۵. در این مجموعه تاریخی اشعار متناسب با موضوع نیز دیده می‌شود که به لطافت این اثر افزوده است.

چند نکته

۱. کتاب إرشاد از معتبرترین کتاب‌های تاریخی شیعه است و مرجع بسیاری از کتاب‌های حدیثی و تاریخی پس از خود قرار گرفته است.

۲. به نظر می‌رسد مؤلف، این کتاب را برای عموم مسلمانان (شیعه و سنی) نگاشته است؛ چنانچه رعایت تقیه و برخی قرائن دیگر این مدعا را تأیید کند.^۱

۳. شیخ مفید اگر خبری معتبر دال بر مسمومیت و شهادت امامان نداشته، تذکر داده است، مثلاً در مورد شهادت امام جواد عليه السلام نوشته است: زقیل آله فقتی مسموماً ولم یثبت بذلك عندي خير فأنشده ^۲.

۴. کتاب إرشاد از دو جلد تشکیل شده که تمام جلد اول آن به تاریخ زندگانی امام علی عليه السلام مربوط است و در جلد دوم زندگانی دیگر امامان بررسی شده است. جریان صلح امام حسن عليه السلام از متون خواندنی این جلد است.

۵. در این کتاب استدلال‌های کلامی خوبی در اثبات امامت امامان دیده می‌شود.

۶. نظرات حدیثی گوناگون شیخ مفید را می‌توان در ذیل احادیث این کتاب مطالعه کرد. جمع‌آوری این نظرات می‌تواند به رشد علم فقه الحدیث یاری رساند.

نمونه

شیخ مفید در ابتدای هر فصل، پس از معرفی اجمالی امام معصوم، روایاتی

۱. به عنوان مثال شیخ مفید در پایان باب ذکر اولاد امیرالمؤمنین می‌نویسد: هو فی الشيعة من يذكر... فعلى قول هذه الطائفة... والله أعلم. نظیر این گونه عبارات در مجموع کتاب إرشاد دیده می‌شود. به نظر می‌رسد شیخ مفید در نظر داشته تا وقایع تاریخی را با انصاف تمام و بدون هیچ گونه تعصب و یک‌جانبه‌نگری برای خواننده ترسیم کند. بنابراین سعی کرده است خود را بی طرف جلوه دهد؛ الإزادة، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. الإزادة، ج ۲، ص ۲۹۵.

کتاب

نام کتاب: مؤلف در مقدمه کتاب به نام آن تصریح نکرده است ولی در بیان انگیزه نگارش عبارتی را بیان داشته که سبب شد این کتاب به خصال شهره شود: *قَدْ صُنِّفَ فِي قُتُونِ الْعِلْمِ كِتَابًا وَأَغْفَلُوا عَنْ تَصْنِيفِ كِتَابٍ يَتَسَيَّلُ عَلَى الْأَعْدَادِ وَالْخِصَالِ الْمُحْمَدَةِ، وَالْعَلَمُوتَةِ*^۱ در پایان کتاب نیز آمده است: *تَمَّ كِتَابُ الْخِصَالِ بِحَمْدِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ*^۲ صدوق در تألیفات بعدی‌اش مانند التوحید^۳، عیون أخبار الرضا^۴ و من لا یحضره الفقیه^۵ از این کتاب با عنوان الخصال یاد کرده است بنابراین نام کتاب را مؤلف خود برای کتابش برگزیده است. در کتب فهرست و رجال نیز نام این کتاب الخصال گفته‌اند.^۶

انگیزه نگارش
شیخ صدوق پس از خطبه‌ای کوتاه در دیباچه کتاب انگیزه خود را از نگارش چنین می‌نگارد:

اما بعد، من اساتید و پیشینیان را - که رحمت خدا بر آنان باد - دیدم که در فنون علم، کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند؛ ولی از تألیف کتابی که مشتمل بر عددها و خصلت‌های پسندیده و نکو هیده باشد، غفلت نموده‌اند و در تألیف چنین کتابی سود بسیاری برای طالب علم و خواهان خیر و نیکی یافتم، با قصد قربت به خداوند به تصنیف چنین کتابی پرداختم، در حالی که طالب پاداش خدا و خواستار رسیدن به رحمت او هستم و امیدوارم که در آرزویی که دارم با بزرگواری و احسان خود، مرا ناامید نکند که او بر هر چیزی تواناست.^۷

سبک کتاب

صدوق کتاب را با مقدمه‌ای کوتاه شروع کرده است. در این مقدمه تنها شهادت به وحدانیت خدا، نبوت پیامبر و امامت ائمه و انگیزه نگارش وی آمده است. ابواب

۱. الخصال، ص ۲.
۲. همان، ص ۶۵۲.
۳. التوحید، ص ۴۰۶، ح ۵ آمده است: *وَقَدْ أَخْرَجْتُ بِنِهَايَةِ كِتَابِ الْخِصَالِ*.
۴. عیون أخبار الرضا ج ۲، ص ۵۵، ح ۱۶ آمده است: *وَقَدْ أَخْرَجْتُ طَرِيقَ هَذِهِ الْأَخْبَارِ فِي كِتَابِ الْخِصَالِ*.
۵. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۲۷، ح ۴۲۱۷ آمده است: *وَقَدْ ذَكَرْتُ ذَلِكَ مَسْنَدًا فِي كِتَابِ الْخِصَالِ فِي بَابِ الْعَشْرَاتِ*.
۶. رجال النجاشی، ص ۳۹۱.
۷. ترجمه یعقوب جعفری.

القرائن نگاشته که بعدها صدوق همین آثار را به صورت مفصل و گسترده پی گرفته است. نکته‌ای که حائز اهمیت است و موجب تصدیق ادعای صدوق می‌شود آن است که صدوق بسیار فراتر و گسترده‌تر این کتاب‌ها را تدوین کرده است. به عنوان نمونه برقی در کتاب القرائن تنها چهار روایت در پانزده صفحه آورده و این روایات را ذیل عناوین هشت باب (سه تایی‌ها تا ده تایی‌ها) آورده است و حال آنکه عملکرد صدوق در خصال به مراتب چشمگیر و غیر قابل مقایسه است. صدوق در خصال سی برابر برقی در قرائن روایت آورده و تعداد صفحات کتابش ۶۵۲ صفحه و ابواب آن بیست و شش باب است. با توجه به آنچه گذشت، نمی‌توان صدوق را مبتکر سبک روایات عدلی دانست، اما این سبک تنها با شیخ صدوق و کتاب خصالش مشهور شده است. بعدها آثاری همچون الاثنی عشریة فی المواعظ العددیة اثر محمد بن محمد حسینی عاملی از نوادگان شهید ثانی (در قرن یازدهم) و الدار السنیة فی المواعظ العددیة من الأحادیث الی آخر العشریة اثر میرزا حسن حسینی بزدی حائری (قرن سیزده) به تقلید از صدوق شکل گرفت.

اکنون با کتاب خصال که از بهترین، زیبا ترین و مشهورترین آثار روایی شیعه است آشنا می‌شویم:

معرفی کتاب خصال

خصال از کتاب‌های مشهور شیعه است که از دیر باز مورد توجه دانشمندان و عموم شیعیان بوده است. گزینش احادیث زیبا و ابتکار در سبک تألیف، سبب شده که این کتاب همواره نظر خوانندگان را به خود معطوف سازد.

مؤلف

شناسه: کتاب الخصال اثر دانشمند بزرگ شیعه ابو جعفر محمد بن علی بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق درگذشته در شهری به سال ۳۸۱ ق است.

۱. این کتاب دارای یک مقدمه و دوازده باب و یک خاتمه است. باب اول احادیث یکی‌ها تا باب دوازده که دوازده تایی‌ها را آورده است. در هر باب ابتدا احادیث نبوی از طریق شیعه سپس از دیگر طرق روایات حضرت را آورده است. نگاه روایات ائمه را به ترتیب از امیر المؤمنین، امام حسن و... آورده است. پس از آن کلمات حکماء و عرفاء را نگاشته است. تدوین این اثر در نهم رجب سال ۱۰۶۸ ق پایان یافته است. (الذریعه، ج ۱، ص ۱۱۹، ش ۵۷۶).
۲. الذریعه، ج ۸، ص ۱۲۷، ش ۴۶۴.

کتاب خصال به ترتیب اعداد از عدد یک شروع و تا باب صد و بیست از صد ادامه می‌یابد. نوزده باب نخست از باب الواحد (باب خصلت‌های یگانه) تا ابواب التسعة عشر (باب خصلت‌های نوزده گانه) به ترتیب اعداد تنظیم شده‌اند. این ابواب بدنه اصلی کتاب را شکل داده و بیشترین صفحات و روایات خصال در همین نوزده باب نخست گردآمده است.^۱ از آنجا که ذیل تمام اعداد افزون بر بیست روایت در دست نیست، صدوق ابواب بعد از بیست را در هفت باب اینگونه نامبردار کرده است: ابواب العشرین و ما فوقه، ابواب الثلاثین و ما فوقه، ابواب الخمسين و ما فوقه، ابواب السبعين و ما فوقه، ابواب الثمانين و ما فوقه، باب الواحد الی المائه (باب المائه و ما فوقه).

هر باب دارای ریز موضوعات متعددی است. به عنوان نمونه در باب الاثینین (خصلت‌های دوگانه) ریز موضوعاتی نظیر: النَّاسُ اثْنَانِ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ فِی الشَّيْءِ خُضَّتَانِ، لِلصَّامِ قُرْءَانٌ، یَعْنَانِ مَكْرُوهَانِ، الْأَخْوَانُ صِفَتَانِ، مَثْبُوعَانِ لَا یُشْبَعَانِ، اثْنَانِ أَهْلُكَ النَّاسُ، لَا حَسَدَ إِلَّا فِی اثْنَتَیْنِ و... در باب الثلاثة (خصلت‌های سه گانه) ریز موضوعاتی نظیر: ثلاثة یدخلهم الله الجنة بغیر حساب، ثلاثة مجالستهم تعیت القلب، اصول الکفر ثلاثة، الهدایة علی ثلاثة وجوه، احب الاعمال الی الله ثلاثة و... مشاهده می‌شود.

نخستین روایت خصال سوال فردی اعرابی درباره و حدایت و یگانگی خدا از امام علی علیه السلام است که در مجموعه نبورد جمل رخ داده و اعتراض اطرافیان را نیز برانگیخته است. و آخرین روایت کتاب نیز تفسیری از امام باقر علیه السلام است که گویای خلقت یک میلیون جهان است.

تمام روایات خصال با سند متصل مؤلف از معصومان گزارش شده است. بیشتر این روایات از طریق راویان شیعی است و بخشی دیگر را شیخ صدوق از مشایخ سنی خود گزارش کرده است. همچنین به ندرت نکاتی از مؤلف در ذیل برخی از روایات دیده می‌شود.^۲

برخی از روایات مهم و مشهور این کتاب عبارت‌اند از: حدیث رفع ^۳ (برداشتنه شدن تکلیف ۹ چیز)، حدیث ۱۲ خلیفه و امام بعد از نبی ^۴، حدیث ۳۰ علامات امامان ^۵.

۱. کل کتاب خصال ۶۵۲ صفحه است که ۱۹ باب نخست ۵۱۱ صفحه است.

۲. ر.ک: الخصال، ص ۴۱۰.

۳. همان، ص ۴۶۶.

۴. همان، ص ۵۲۷.

حدیث ثواب حفظ ۴۰ حدیث و بیان ۴۰ حدیث از پیامبر برای امام علی علیه السلام، حدیث رساله حقوق ^۲ امام سجاد علیه السلام بیان ۵۰ حق از حقوق طرفین، حدیث ۷۰ مقبیت اختصاصی امام علی علیه السلام، حدیث اربعمائه ^۳ بیان ۴۰۰ حدیث توسط امام علی علیه السلام برای یارانسان در یک جلسه و حدیث تعلیم ۱۰۰۰ باب علم به امام علی علیه السلام.^۴

کتاب حاضر شامل ۱۲۵۵ حدیث است که در ۲۶ باب تنظیم شده است. گوناگونی موضوعات و کوتاهی احادیث کتاب خصال با وجود حجم کم، سبب شده که این اثر به دائرة المعارف بزرگی از معارف اسلامی تبدیل و در شمار مجموعه‌های نفیس روایات اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به حساب آید.

یک نمونه روایت از باب سه تایی‌های کتاب خصال:

جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِی ثَلَاثٍ خِصَالٍ ^۵

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي ثَوْبَانَ الْخَرَّازِ عَنْ أَبِي حَنْزَلَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِی ثَلَاثٍ خِصَالٍ النَّظَرُ وَ الشُّكُورُ وَ الْكَلَامُ فَكُلُّ نَفَرٍ نَظَرَ فِیهِ اِعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَ كُلُّ مُشْكُورٍ لَيْسَ فِیهِ فِكْرٌ وَ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَ كُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِیهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَفْوٌ فَطَوَيْتَنِي لِمَنْ كَانَ نَظَرُهُ عِزَّةً وَ سَكُونُهُ فِكْرًا وَ كَلَامُهُ ذِكْرًا وَ بَنَى عَلَى خَیْثِهِ وَ آمَنَ النَّاسُ شَوْهًا. ^۶

فصل چهارم: مسندنویسی

«مسند» در اصطلاح سبک‌شناسی به کتاب‌هایی گفته می‌شود که مجموعه روایات هر صحابی از پیامبر خدا، اعم از روایات صحیح، حسن و ضعیف، به دنبال نام او ذکر شده باشد.^۸

مسند نویسان اهل سنت برای آسان سازی حفظ روایات، سعی می‌کردند تا مجموعه احادیث ده‌ها و صدها صحابی را گرد آورند. پیدایش این شیوه نگارش

۱. همان، ص ۵۴۱.

۲. همان، ص ۵۷۲.

۳. همان، ص ۱۶۱۰ حدیث در کتاب تحف العقول نیز آمده است.

۴. همان، ص ۲۲۶.

۵. همان، ص ۹۸-۹۷.

۶. الرسالة المستوفیة.

استقبال محدثان را دربرداشت. به همین علت، این سبک بیش از دو بیست سال در میان نویسندگان اهل سنت رایج بوده است.^۱

مسندنویسی از شیوه‌های مهم نگارشی اهل سنت است، و شیعیان به این نوع نگارش چندان توجهی نکرده‌اند؛ زیرا اولاً: این سبک نگارشی فواید درخور توجهی ندارد، دیگر اینکه شیعه چنین نیازی را احساس نمی‌کرد. شیعیان تا سال ۲۶۰ هجری از حضور امامان معصوم، به طور مستقیم و به گونه‌ای کم‌رنگ‌تر تا سال ۳۳۹ هجری بهره‌مند بودند؛ از این رو، به خاطر سپردن حدیث، آن هم به شیوه اهل سنت در میان شیعه ضرورتی نداشت. علاوه بر این، در دوران شکل‌گیری مسانید اهل سنت، شیعیان در نگارش از آنها پیش‌تر بودند و کتاب‌های اولیه خود را نگاشته و سرگرم تدوین و تنظیم جوامع بزرگ روایی، مانند محاسن و کافی بودند. با این همه چند کتاب مسند نیز همسو با مسانید اهل سنت در همان قرون نخست به دست شیعیان نگاشته شد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

مسند الرضا یا صحیفة الرضا اثر احمد بن عامر بن سلیمان طائی (نیمه دوم قرن سوم)؛

مسند زید بن علی بن الحسین علیه السلام؛

مسند الإمام موسی بن جعفر از موسی بن ابراهیم مروزی (متوفی پس از ۲۲۹ ق)؛

مسند الرضا از مؤلفی ناشناخته (م ۸۸۲ ق)؛

مسند الجبری منسوب به حسین بن حکم بن مسلم جبری (م ۲۸۶ ق).

این مسانید اکنون موجود و در دسترس علاقه‌مندان است. از پاره‌ای مسانید شیعی تنها نامی باقی مانده است و متأسفانه خود آنها به دست ما نرسیده است. نام برخی از این مسانید عبارت‌اند از:

مسند محمد بن حنفیه (م ۸۱ ق)؛ المسند از قیس بن ربیع السندی (م ۱۵۰ ق)؛

المسند از عیبالله بن موسی عیسی (م ۲۱۳ ق)؛ المسند از یحیی بن عبدالحمید حنّانی (م ۲۲۸ ق)؛ مسند الذکر از محمد بن منصور مرادی (م ۲۹۰ ق).

چند اثر همسو با مسانید نیز در شیعه وجود دارد که عبارت‌اند از:

تحف العقول از ابن شعبه حرّانی؛

نزهة الناظر از حسین بن محمد بن الحسن الحلوانی؛

۱. برای اطلاع بیشتر نگاه کن: سبک شناخت کتاب‌های حدیث، ص ۲۷۵.

الدرة الباهرة من الأضداد الظاهرة، منسوب به شهید اول.

نویسندگان این کتاب‌ها احادیث معصومان علیهم السلام را ذیل عنوان هر معصوم آورده‌اند. اگر در معنای اصطلاحی مسند، قدری تسامح کنیم، می‌توانیم گردآوری کلمات هر معصوم را نیز «مسند» بنامیم. در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است.^۱

آقای عزیرالله عطاردی سخنان بیشتر معصومان علیهم السلام را در کتاب‌هایی به نام «مسند» جمع‌آوری کرده است که بخشی از آثار ایشان عبارت‌اند از: مسند فاطمة الزهراء، مسند الإمام المجتبی، مسند الإمام الشهید (سه جلد)، مسند الإمام الباقر (شش جلد)، مسند الإمام کاظم (سه جلد)، مسند الإمام الرضا، مسند الإمام الجواد، مسند الإمام الهادی و مسند الإمام العسکری. نویسندگان دیگری نیز همچون آیت‌الله ری شهری مجموعه روایات نبوی را در حکمتنامه پیامبر اعظم و روایات امام حسین علیه السلام را در حکمتنامه امام حسین علیه السلام گرد آورده است. بعضی دیگر از محققان معاصر روایات روایان ائمه علیهم السلام مانند زراره و ابوصبیر را نیز جمع‌آوری و منتشر ساخته‌اند.

اکنون با کتاب تحف العقول از ماندگارترین آثار فاخر شیعه بیشتر آشنا می‌شویم.

معرفی کتاب تحف العقول

یکی از مشهورترین منابع حدیثی شیعه کتاب تحف العقول^۲ تألیف ابومحمد حسن بن علی حرّانی^۳ از اعلام قرن چهارم هجری و معاصر با شیخ صدوق است. این کتاب از دیرباز مورد توجه دانشیان شیعه بوده و به جهت ترتیب و گزینش نیکوی نویسنده همواره عموم شیعیان حدیث جو نیز با این کتاب انسی ویژه داشته‌اند.

مؤلف

شناسه: ابومحمد، حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی حلی، از دانشمندان قرن چهارم هجری است. او هم عصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) است و از شاگردان ابو علی

۱. برای اطلاع بیشتر نگاه کن: سبک شناخت کتاب‌های حدیث، ص ۳۰۲.

۲. متن عربی این کتاب با تحقیق و تصحیح و توضیحات آقای علی اکبر نقاری در یک جلد توسط مؤسسه انتشارات اسلامی قم منتشر شده است. این اثر توسط آیه الله محمد باقر کمروای به فارسی ترجمه شده و انتشارات اسلامی آن را منتشر کرده است.

۳. حرّان یکی از روستاهای اطراف شهر حلب در سوریه است. حلب در سده‌های چهارم تا هفتم از مراکز علمی مهم شیعه بوده است.

اعتبار تحف العقول: مقدمه عالمانه نویسنده گویای اندیشه ناب شیعی او است و چیش و گزیش متون حدیثی موجود در کتاب به خوبی بیانگر دانش و جایگاه حدیثی ابن شعبه است. علامه مجلسی نظم کتاب را دلیل بر والا‌یی بر شأن ابن شعبه می‌داند و شیخ حر عاملی کتاب تحف العقول را «حسن کثیر القوائد» خوانده است. بعضی از محققان معاصر با مقایسه بخشی از روایات علوی موجود در این کتاب با نهج البلاغه در یافته‌اند که متن تحف العقول کامل‌تر و روان‌تر از متن نهج البلاغه است.^۱ ارسال روایات (عدم ذکر اسناد) مهم‌ترین ایرادی است که به کتاب تحف العقول وارد ساخته‌اند. مؤلف خود دلیل این کار را اختصار و آسان سازی مطالعه یاد کرده است: «و استقسط الاسانید تخفیفا و ایجازا»^۲ و البته در ادامه به خواننده این اطمینان را داده است که تمام احادیث کتاب را به صورت سماع ز استادان خویش با سلسله سند کامل شنیده است و چون بیشتر آنها در موضوع آداب و حکمت است، متن خود حدیث دلیلی بر درستی آن است. افزون بر این ابن شعبه بر این باور است که کتاب را برای شیعیان نگاشته که ایشان همگی تسلیم انعمه الله هستند. علامه مجلسی در بحار الأنوار این سخنان ابن شعبه را پذیرفته و می‌گوید: «بیشتر کتاب در مواعظ و اصول معلومه‌ای است که محتاج به سند نیست»^۳.

سبک نگارش

گذشت که این کتاب را می‌توان در شمار ملحقات به سبک مسند دانست. نویسنده با به کارگیری ذوقی نیکو روایات هر معصوم را ذیل نام وی سامان داده است. او به موضوع بندی در روایات نپرداخته است. آنچه برای وی مهم می‌نموده تفکیک روایات معصومان علیهم‌السلام از یکدیگر بوده است. بنا براین مؤلف کتاب، ابتدا کلمات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سپس به ترتیب سخنان یازده امام علیهم‌السلام (غیر از صاحب الزمان علیه‌السلام) را در ابواب جداگانه جمع کرده است.

نوآوری دیگر این شعبه آن است که روایات را در ذیل نام هر معصوم علیه‌السلام به دو دسته تقسیم کرده است. او ابتدا خطبه‌ها یا نامه‌های طولانی را آورده و در آخر کلمات

۱. حجة الاسلام والمسلمین استادسید محمد کاظم طباطبائی در مقایسه بین عهدنامه مالک اشتر موجود در تحف العقول و نهج البلاغه و چندی دیگر از روایات علوی بر این باور است که سید رضی بعضی موارد این نامه بلند را تقطیع کرده و متن تحف العقول از استواری بیشتری برخوردار است. همچنین استاد معتقد است که در مجموع استحکام متن احادیث تحف العقول در میان کتب روایی کم نظیر است.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۸.

۳.

محمد بن همام (م ۳۳۶ ق) است. شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) نیز از او روایت شنیده است. از زندگی ابن شعبه اطلاعات چندان‌ی در دست نیست. به ویژه آنکه رجالیان کهن از ایشان نامی ذکر نکرده‌اند.^۱ اما دانشمندان متأخر با مطالعه آثار وی از او همواره به بزرگی یاد کرده‌اند. شیخ حر عاملی در آمل الآمل می‌نویسد: «ابو محمد، حسن بن علی بن شعبه، دانشمندی با فضل و محدثی بزرگ است.» و علامه مجلسی او را اینگونه می‌سناید: «کتاب ایشان، تحف العقول خود بهترین شاهد بر فضل و دانش و عظمت شأن ایشان است»^۲. کتاب تحف العقول مهم‌ترین اثر او است. همچنین برخی کتاب‌التمخیص را نیز به ایشان نسبت داده‌اند.^۳

کتاب

نام کتاب: نام کامل این اثر تحف العقول عن آل الرسول است که در برگردان فارسی می‌توان آن را رهاورد خرد از خاندان پیامبر دانست.

انگیزه نگارش: مهم‌ترین علتی که قلم را در دست مؤلف برای خلق این اثر چرخانده، نبود کتابی مستقل در مواعظ و حکمت‌ها است. ابن شعبه در مقدمه کتاب می‌نویسد:

علمای شیعه کتاب‌های مختلفی در احکام و فرائض نوشته‌اند و لزومی به نگارش جدید در آن موضوعات نیست. کلمات انعمه الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشتمل بر حکمت‌ها و مواعظ مختلفی است که شامل وعد و وعید و ترغیب بر مکام اخلاق و نهی از بدی‌ها است. و نیز شامل احادیث کوتاهی است که از آن بزرگان نقل گردیده که معانی بلندی در بردارد. چون کتابی مشتمل بر این مواعظ، حکمت‌ها و احادیث کوتاه نوشته نشده بود این کتاب را تألیف کردم.^۴

۱. به نظر می‌رسد که نخستین بار شیخ ابراهیم قطینی معاصر محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) در کتاب الزاویه فی تعبیر الفرة الناجیه از ابن شعبه با عباراتی نظیر عالم عامل و فاضل قویه یاد کرده است. ر.ک. مقدمه کتاب تحف العقول به قلم مرحوم علی اکبر غفاری. البته به نظر می‌رسد که مرحوم غفاری نام کتاب قطینی را به اشتباه ثبت کرده باشد. شیخ ابراهیم بن سلیمان بحرانی قطینی در شمار اعلام فقهای امامیه در قرن دهم و مؤلف آناری همچون کتاب تعیین الفرة الناجیه در نجف بوده است. راهمادی دانشوران، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۸.

۳. التمهیص اثر استاد ابن شعبه یعنی ابو علی محمد بن همام است.

۴. تحف العقول، ص ۲.

۱۱. پاسخ کامل امام رضا علیه السلام به مامون درباره تمام احکام خدا.
۱۲. رساله امام هادی علیه السلام درباره جبر و تفویض، پاسخ به مجموعه سوالات دانشمند عصر یحیی بن اکثم.

پایان این متن را با کلمات قصاری از تمام ابواب تحف العقول زینده می سازیم:

رسول الله ﷺ: الْبِنَاءُ سَبْعَةُ أَجْزَاءٍ أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَالِ.^۱

امام علی علیه السلام: حُسْنُ الْخُلُقِ خَيْرٌ قَرِيبٌ وَ عَزَازَةُ صُحْبَةِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ خُلُقِهِ.^۲

امام حسن علیه السلام: الْقَرِيبُ مِنَ قُرْبَتِهِ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعْدَ تَسْبِيهِ وَالْبَعِيدُ مِنْ بَاعِدَتِهِ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قُرْبُ تَسْبِيهِ.^۳

امام حسین علیه السلام: كُنْتُ عَنِ الْفِيَةِ فَأَتَاهَا إِدَامُ كَلَابِ النَّارِ.^۴

امام سجاده علیه السلام: مَنْ قَبِعَ بِمَا أَفْسَدَ اللَّهُ لَهُ فُتِهَ مِنْ أَعْيِ النَّاسِ.^۵

امام باقر علیه السلام: عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.^۶

امام صادق علیه السلام: إِنْ تَنَامَ النَّجِيجَ لِلتَّقِيمِ الْمَصَافِحَةِ وَتَنَامَ السَّيْلِمِ عَلَى الْمَسَافِرِ الْمَعَانَةِ.^۷

امام کاظم علیه السلام: لَيْسَ حُسْنُ الْجَوَارِ كَفَّ الْأَذَى وَلَكِنْ حُسْنُ لِبَاسِ الصَّبْرِ عَلَى الْأَذَى.^۸

امام رضا علیه السلام: صَاحِبُ التَّعَمُّعِ يَجِبُ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ.^۹

امام جواد علیه السلام: الْمُؤْمِنُ يَخْتَارُ إِلَى تَوْفِيهِ مِنَ اللَّهِ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِهِ وَقَوْلٌ بِمَنْ يَنْصَحُهُ.^{۱۰}

امام هادی علیه السلام: الدُّنْيَا سَوْقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَيْرٌ آخِرُونَ.^{۱۱}

امام حسن عسکری علیه السلام: أَوْزَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّهَةِ.^{۱۲}

فصل پنجم: غیبت نگاری

در تاریخ شیعه رخداد غیبت امام مهدی علیه السلام از ویژگی خاصی برخوردار است. تأثیر این رخداد بزرگ در روایات شیعی کاملاً مشهود است. گروهی از دانشمندان به انگیزه گردآوری اینگونه احادیث، غیبت نگاری را بنیان نهادند. بررسی کتاب‌های

۱. همان، ص ۳۷.
۲. همان، ص ۳۰۰.
۳. همان، ص ۳۴۴.
۴. همان، ص ۳۴۵.
۵. همان، ص ۳۷۸.
۶. همان، ص ۳۹۴.
۷. همان، ص ۳۶۰.
۸. همان، ص ۳۰۹.
۹. همان، ص ۳۵۷.
۱۰. همان، ص ۳۸۹.
۱۱. همان، ص ۳۸۳.
۱۲. همان، ص ۳۸۹.

کوتاه منقول از آن معصوم علیه السلام را نقل می کند.

گفتنی است که بیشتر روایات این کتاب حکمت‌ها و مواظب پیشوایان معصوم علیه السلام در ترغیب امر آخرت و بی اعتنائی به دنیا و توجه به مکام اخلاقی و آداب مدوح دینی است.

نویسنده چنانچه در مقدمه وعده داده بود، در پایان کتاب پس از بیان احادیث امام یازدهم، مناجات خداوند متعال با حضرت موسی و حضرت عیسی و نیز اندرزهای حضرت مسیح علیه السلام را نیز بیان کرده است. پایان بخش مطالب کتاب وصایای مفضل بن عمر، به شیعیان است. در این وصایا روایاتی از امام صادق علیه السلام آمده است.

بی تردید این شعبه برای گزینش کلمات کوتاه و زیبا از قطعی بهره برده است. البته او ابایی از بیان قطعی متون ندارد. به عنوان نمونه در متنی که حاوی پرسش‌های شمعون بن لاوی بن یهودا از ج نوادگان حواریون حضرت عیسی است چون متن اصلی طولانی تر بوده مؤلف می گوید: فی جملة خبر طویل و مسائل کثیرة... و کتبنا منه موضوع الخاتمة البقية^۱. یادداشتی خطبه الوسیله^۲ آمده است: کتبنا منه ما اقتضاه الکتاب فون غیره^۳. برخی از روایات مهم و مشهور در این کتاب عبارت‌اند از:

۱. سه وصیت پیامبر به حضرت علی علیه السلام، و توصیه‌هایی به معاذ بن جبل.
۲. سخنرانی پیامبر خدا در حجة الوداع.
۳. خطبه امام علی علیه السلام در موضوع اخلاص و خطبه‌های معروف به وسیله و دیاج.
۴. نامه‌ها و وصایای حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام و وصیت امام حسین علیه السلام.
۵. عهد نامه مالک اشتر، توصیف متقین، حدیث اربعه‌انه.
۶. رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام.
۷. توصیه امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جناب، سفارش به جماعت شیعیان.
۸. سخنان امام صادق علیه السلام معروف به نثر الدرر، رساله‌ای در وجوب خمس و غنای معایش عباد.
۹. احتجاج امام جعفر صادق علیه السلام با سفیان ثوری و صوفیه.
۱۰. توصیه امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم.

۱. تحف العقول، ص ۱۵.
۲. این خطبه از خطبه‌های معروف امام علی علیه السلام است.
۳. تحف العقول، ص ۹۲.

فزوننی اشتغال به آن همت گماشته می نویسد: «مطالعی را که درباره غیبت خود خواهم گفت به صورت مختصر است چرا که هم در کتب خود و هم در کتب اساتیدم به مسأله غیبت به طور مبسوط عنایت شده و در نهایت تفصیل، تبیین گردیده است»^۱. همچنین سید ابن طاووس (د ۶۶۴ق) در کشف المحجّة لشمرة المهنجة خطاب به فرزندش می نویسد:

غیبت مولای ما شگفتی موافق و مخالف را برانگیخته است... اگر به کتب شیعه در این زمینه (غیبت) مراجعه کنی مانند کتب نعمانی و ابن بابویه و... و کتاب‌هایی که در کتاب الطرایف^۲ نام برده‌ام، در می‌یابی که همه آنها یا بیشتر آنها پیش از تولد حضرت (مهدی عجل الله تعالی فرجه) خبر داده‌اند که غیبت خواهد کرد.^۳

از مجموع این گونه گزارش‌ها که معمولاً از کسانی است که خود با تألیفات علمی کاملاً آشنا بوده‌اند می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها بسیاری از کتاب‌های غیبت به دست ما نرسیده است بلکه حتی تاریخ در ذکر نام آنها نیز کوتاهی کرده است.

گفتنی است که اگر چه بسیاری از کتاب‌های مربوط به غیبت نگاری، با عنوان «الغیبة» شناخته شده‌اند اما بعضی از غیبت‌نگاران از عناوین دیگری استفاده کرده‌اند. بعضی از این عناوین عبارت‌اند از: اخبار القائم، دلائل خروج القائم، مولد القائم، اخبار المهدي، کتاب صاحب الزمان و... به نظر می‌رسد کتاب‌هایی که با عناوین الملاحم، الفتن، کشف الجبوره، اخبار الوکلاء نگاشته شده‌اند، نیز به بخشی از موضوع غیبت بپردازند.

آشنایی با کتاب کمال الدین و تمام النعمة

کتاب شریف کمال الدین و تمام النعمة از آثار مشهور در زمینه مهدویت است. این اثر پس از کتاب الغیبة نعمانی تدوین شده است. نویسندگان بسیاری نیز در معرفی این اثر تلاش کرده‌اند.^۴ که از تلاش آنها در این نوشتار بهره برده‌ایم.

۱. غیبة الطوسی، دیپاچه

۲. در کتاب طوائف، اسامی کتاب‌های مشهور سنن و چند کتاب شیعی در فصل «بشارة المصطفى» آمده است. ر.ک: ص ۱۷۵ - ۱۹۰.

۳. کشف المحجّة لشمرة المهنجة، ص ۵۳

۴. به عنوان نمونه: نجم الدین طبرسی، فصلنامه انتظار، ش ۹۸، حسن واعظی، فصلنامه انتظار، ش ۷، محمد کاظم رحمان ستایش، فصلنامه موعود، پیش شماره ۲، منصور بهمان، مقدمه کتاب کمال الدین، انتشارات دار الحدیث.

فهرست و رجال نشان از آن دارد که نگارش‌های حدیثی در این موضوع سال‌ها پیش از آغاز غیبت صغری شکل گرفته است.

گفتنی است که تنها تا پایان قرن پنجم ۵۷ نفر غیبت‌نگار شیعه کتاب‌هایی را در اثبات غیبت تدوین کرده‌اند که ۱۶ نفر از ایشان پیش از غیبت به موضوع مهدویت و غیبت پرداخته‌اند.

تعداد روایات بی‌شماری پیرامون موضوع غیبت، چگونگی و انزعاج آن از معصومان، گزارش شده است. ابو عبدالله نعمانی که در عصر غیبت صغری می‌زیسته پس از بیان بیش از ۹۰ روایت (فقط در موضوع غیبت) می‌نویسد:

این روایت آخر که بیان شد آخرین روایت از مجموعه روایات غیبتی است که در اختیار من قرار داشت، در حالی که این دسته روایات بخشی اندک از مجموعه روایات در موضوع غیبت است که مردم آن را روایت می‌کنند و در اختیارشان هست.^۱

این بیان نشانگر کثرت روایات مربوط به موضوع غیبت در دست مردم سده چهارم هجری است. افزایش این گونه روایات و اهمیت این موضوع سبب شد که دانشمندان و نویسندگان شیعه برای حفظ آنها کتاب‌هایی را تدوین کنند. بعضی از این کتاب‌ها ده‌ها سال پیش از غیبت امام عصر نگاشته شده است. به کلام شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) توجه کنید:

اسمه الله از غیبت او خبر داده و غیبت را برای شیعیانشان توضیح داده‌اند. این مطلب در روایاتی که از ایشان نقل شده و در ساله‌هایی که که از آنها باقی مانده و در کتاب‌هایی که حدود دویست سال پیش از وقوع غیبت هیچ یک از پیروان امامان از این موضوع غفلت نکرده و در بسیاری از کتب و روایات و مصنفات خود، آنها را ذکر کرده‌اند و اینها همان کتبی است که به «اصول» معروف است و نزد شیعه آل محمد از قریب دویست سال پیش از غیبت، به تدریج ملذون گردیده و محفوظ مانده است و من اخبار مُسندی که درباره غیبت است از آن اصول استخراج کرده و در این کتاب آورده‌ام.^۲

شیخ طوسی پس از بیان انگیزه‌اش از نگارش کتاب الغیبة که در ضیق وقت و

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۹ و ۴۰.

۲. غیبة نعمانی، ص ۲۷۵.

اتمام النعمه) شناخته شده بوده است. دلیل این مدعا چنین است:

الف) نویسنده در کتاب‌های دیگرش مانند علل الشرایع^۱ و خصال و عیون الاحیاء الرضا^۲ از این کتاب با همین عنوان یاد کرده است.

ب) در پایان بعضی از نسخه‌های کهن و ارزشمند کتاب مستنسخان چنین نوشته‌اند: «هذا آخر الجزء الاول من كتاب كمال الدين و تمام النعمه... و همین عبارت در پایان بخش دوم نیز آمده است»^۳.

ج) شیخ صدوق در «باب نوادر آخرین باب کتاب، در توصیف امامت می‌گوید: «بها کمل الدین و تمت النعمه»، «با امامت دین کامل شد و نعمت را تمام گردید». بی‌تردید نام کتاب برگرفته از این اندیشه شیخ است که امامت، کمال دین و تمام نعمت است»^۴.

۲. تاریخ تألیف: از دو سفر شیخ صدوق به خراسان اطلاع داریم. این دو سفر در سال‌های ۳۵۲ ق و ۳۶۷ ق اتفاق افتاده است. البته سفر دوم به خاطر حضور دراز مدت وی در خراسان تا سال ۳۶۸ ق نیز ادامه یافته است. از آنجا که کمال الدین در نیشابور تألیف شده است، بنابراین کتاب در یکی از این دو سفر نگارش یافته است. با توجه به اینکه نویسنده در سفر دوم به شهرهای مختلف ماوراءالنهر سفر کرده و از مشایخ آن دیار حدیث شنیده است از سویی و از سوی دیگر از برخی از آن مشایخ در این کتاب نقل روایت کرده است، به احتمال قوی نگارش در سفر دوم رخ داده است.

۳. انگیزه نگارش: انگیزه این نگارش حاصل سه رخداد هم زمان است که برای نویسنده در یک سفر زیارتی رخ داده است:

۱. مواجهه شیخ صدوق با شبهات متعدد مردم نیشابور درباره امام زمان، طول عمر و غیبت ایشان.^۵

۲. پرسش‌های یک فیلسوف شیعی به نام شیخ نجم الدین ابو سعید محمد بن

۱. علل الشرایع، ص ۲۴۶ ذیل حدیث ۹؛ وقد اخرجت ما رویته من الأخبار فی هذا المعنی فی کتاب کمال الدین و تمام النعمه فی اثبات الغیبه و کشف الحیره.

۲. الخصال، ص ۱۸۷ و ص ۲۸۰؛ عیون اخبار الرضا، ص ۵۷ و ص ۶۹.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۳۲ و ص ۶۸۱؛ ۴. همان، ص ۵۶.

۵. فوجدت اکثر المختلفین الی من الشیعه قد حیرتهم الغیبه و دخلت علیهم فی أسرار القام... الشیعه و عدلوا عن طریق التسليم الی الأراء و العقائیس، همان، ص ۳.

الف) مؤلف

۱. نام و تاریخ تولد:

محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، مشهور به شیخ صدوق در سال ۳۰۵ در خانواده‌ای عالم پرور در شهر قم به دنیا آمد. از افتخارات شیخ صدوق این بود که او و برادرش به دعای امام عصر به دنیا آمده‌اند. این دعا در پاسخ علی بن حسین (پدر شیخ صدوق) از حسین بن روح است که از او خواست تا از امام عصر تقاضا نماید که برایش اینگونه دعا کند که خداوند اولاد صالح و فقیه به او عطا نماید. درخواست علی بن حسین اجابت شد و دعای حضرت حجت هم مورد استجابت گردید.^۱

۳. وضعیت زمانه:

با توجه به تاریخ ولادت صدوق (سال ۳۰۵ ق) و پایان دوره غیبت صغری در ۳۲۹ ق. می‌توان دریافت که ایشان تا سن ۲۳ سالگی را در زمان غیبت صغری سپری کرده و دوران نیابت ۲ نفر از نواب خاص امام زمان را درک کرده است. این بخش از زندگی ایشان می‌تواند در نگارش‌های مربوط به امام عصر موثر باشد.

از دیگر توفیقاتی که نصیب شیخ صدوق شد این بود که در زمان سلطه آل بویه طرفداران مذهب اثنی عشریه می‌زیست. در این دوره «صاحب بن عباد» (م ۲۸۵ ق) وزیر دانشمند و شیعی رکن الدوله در ری اداره امور مملکت را به عهده داشت و او نسبت به صدوق احترام ویژه‌ای قائل بود. از این رو طبیعی می‌نمود که حمایت‌های حکومتی در گسترش تلاش‌های علمی حدیثی وی موثر باشد.

ب) کتاب

۱. نام کتاب: در کتاب‌های فهرست (رجال نجاشی و الفهرست طوسی) نامی از این کتاب در کارنامه علمی صدوق دیده نمی‌شود. تنها در الفهرست نام کتاب الغیبه کبیر آمده است که به نظر می‌رسد اشاره به همین کتاب باشد. صدوق در مقدمه طولانی خود بر این کتاب نامی را مشخص نکرده است. اما می‌توان ادعا کرد که این کتاب از عصر خود صدوق تا به حال با همین عنوان کمال الدین و تمام النعمه (و یا اکمال الدین و

۱. رجال النجاشی، ص ۲۶۱.

الف) مقدمه کتاب: صدوق در مقدمه‌ای مفصل مباحث بسیار مهمی را درباره جایگاه خلیفه و وجوب اطاعت از او، وجوب عصمت امام، اسرار فرمان الاهی به ملائکه در سجود به آدم، وجوب شناخت امام مهدی، اثبات غیبت و... بیان کرده است. سپس به آرای فرقه‌های باطل غیر امامیه پرداخته است. از مهم‌ترین نکات در مقدمه این است که به اختلافات موجود در امر غیبت در نخستین سال‌های آن به صورت مستند اشاره کرده است. درگیری‌های که بین فرق مختلف شیعه وجود داشته است را با بیان کتاب‌هایی از دانشمندان فرقه‌ها آورده است. به عنوان نمونه چند کتاب از کتاب‌های ابن قبه دانشمند و متکلم شیعی در سال‌های نخست غیبت را به صورت کامل آورده است. او بخش‌هایی از کتاب التنبیه ابوسهل نوبختی دانشمند و متکلم شیعی در سال‌های نخست غیبت و همچنین پاسخ‌هایی از مخالفان همچون ابن بشار و کلمات فرقه‌های زیدیه و خطابه را در مقدمه یاد کرده است.

ب) متن کتاب: او به فرموده امام عصر به غیبت‌های پیامبران پیشین اشاره کرده است. بنابراین هفت باب نخست کتاب را به روایات غیبت درباره پیامبرانی چون ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف و موسی پرداخته است. روایاتی که در کل ابواب آمده است را می‌توان در سه بخش بررسی کرد:

بخش نخست: ارائه شواهد تاریخی از امت‌های پیشین بر وقوع غیبت (مانند بیشتر ابواب بیستگانه نخست)

در این بخش مؤلف روایاتی را از غیبت پیامبران خدا مانند ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف و موسی علیهم‌السلام آورده است.

بخش دوم: اشاره به قواعد بنیادی و باوهای اصلی امامیه (مانند ابواب ۲۱، ۲۲، ۲۸، ۴۰ و...) در این ابواب روایاتی درباره چرایی غیبت، ضرورت وجود همیشگی امام در روی زمین، حدیث صحیفه و روایاتی درباره وجود قطعی انمه و پیشگویی تولد امام عصر علیه‌السلام.

بخش سوم: روایاتی که مستقیماً درباره امام عصر و غیبت ایشان است. این بخش نیز در چند دسته قابل مطالعه است:

دسته اول: حتمیت غیبت و پیشگویی‌هایی از معصومان پیشین (مانند ابواب ۲۵ تا ۳۸) دسته دوم: مسائل پیرامونی شخصیت قائم علیه‌السلام و ظهور ایشان مانند ولادت،

الحسن بن محمد بن أحمد بن علی بن الصلت قمی یکی از دانشمندان قمی مقیم بخارا در مسأله غیبت و طولانی شدن آن و انقطاع اخبار بوده است. این پرسش‌ها و تردیدها سبب تحریر عالم بخارایی شده بود که پاسخ‌های صدوق او را قانع می‌سازد.^۱

۳. صدوق در مدت اقامتش در نیشابور شمی در رویا می‌بیند که طواف خانه خدا را به پایان رسانده و حجر را بوسیده است و در حال مناجات است که امام عصر را در کنار در خانه خدا زیارت می‌کند. امام به صدوق می‌فرماید: چرا درباره غیبت کتابی تألیف نمی‌کنی تا اندوهت را زایل سازد؟ و صدوق عرض می‌کند: یا ابن رسول الله! درباره غیبت بیشتر رساله‌هایی تألیف کرده‌ام.

و امام عصر در پاسخ شاکیه کتاب جدید و مستقلی را برای غیبت ترسیم می‌کند که همان کتاب جاویدان کمال الدین است امام اینگونه گونه و جامع می‌فرماید:

لیس علی ذلک السبیل آمرک أن تصنف ولكن صنف الآن کتابا فی الغیبه و اذکر

فیه غیبات الانبیاء^۲

نه به آن طریق، اکنون تو را امر می‌کنم که درباره غیبت کتابی تألیف کنی و غیبت انبیاء را در آن بازگوئی.

این رویای صادقه سبب شد که صدوق نگارش کتاب را در همان نیشابور آغاز کند و تألیف را به شهر ری به تأخیر نیندازد.

۴ و ۵) ساختار و محتوا:

ساختار کلی: نویسنده، کتاب خود را با یک مقدمه طولانی (۱۲۶ صفحه) آغاز و احادیث مربوط به غیبت را در پنجاه و هشت باب سامان داده است. در هر باب تعدادی روایت با سند متصل آمده است. روایات معصومان بدنه اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد ولی در بخش‌هایی از کتاب به صورت محدود اظهار نظرهایی از مؤلف با عباراتی نظیر: قال مصنف هذا الکتاب... فاقول وبالله التوفیق... قال ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه... دیده می‌شود.

۱. صدوق با بیان روایات نبوی و امامان درباره غیبت او را آرام ساخته و تردیدهایش را زایل می‌سازد. شیخ نجم الدین که از شنیدن احادیث صحیح صدوق به وجد می‌آید از او می‌خواهد تا التری را در موضوع غیبت و طولانی شدن آن بنگارد و صدوق وعده می‌دهد که به گاه بازگشت به و طعنش در روی نگارش این کتاب را آغاز کند. همان.

۲. همان.

۳. رک: همان، ص ۶۵۶

مسلّمه کنندگان ایشان و... (مانند ابواب ۳۹، ۴۱ تا ۴۳، و...) دسته سوم: یاد کرد مطالبی در اثبات وجود امام عصر مانند ذکر اسامی معمرین و... در پایان روایتی را از باب ۴۲، باب ما روی فی میلاد القائم صاحب الزمان گزارش می‌کنیم:

حدثنا محمد بن علی بن مَاجِلَوْنِیْ و ابْنُ الْمُثَوِّکِلِ و انْعَمَ وَ جَمِیعاً عَنْ اِشْحَاقَ بْنِ رِیَاحِ البَصْرِیِّ عَنْ اَبی جَعْفَرٍ العَمَرِیِّ قَالَ لَمَّا وُلِدَ السَّیِّدُ عَلَیٌّ قَالَ اَبُو مُحَمَّدٍ عَلَیٌّ اِنْعَمُوا اِلَیَّ اَبی عَمْرٍ و قَبِیْعَتِ اِلَیْهِ فَصَارَ اِلَیْهِ عَشْرَةٌ اَلَا فِی رِطْلِ خُبْرٍ و عَشْرَةٌ اَلَا فِی رِطْلِ لَحْصٍ و فَوْقَهُ اُخْصِبُهُ قَالَ عَلِیُّ بْنُ حَاشِمٍ وَ عَنَّا عَنْهُ بِكَذَا وَ كَذَا شَاءَ.

آشنایی با نهج البلاغه

امجد غلامعلی^۱

نهج البلاغه درس زندگی است که در کنار قرآن نمایانگر اندیشه اسلام راستین است. اما متأسفانه علیرغم آشنایی مسلمانان با نام این کتاب، هنوز اندیشه علوی در زندگی مسلمانان نهادینه نشده است. شیعیان با افتخار از این اثر ماندگار یاد می‌کنند ولی از خواسته‌های امیر مؤمنان کمتر آگاه‌اند. بسیاری از ما پیامدهای زیبای رفتار علوی را نمی‌دانیم و اگر طراوت زندگی در سایه سار قرآن و نهج البلاغه را می‌یافتیم هرگز زندگی بر پایه تجربیات بشر امروزی را جانشین زندگی علوی نمی‌کردیم. در این نوشتار مختصر با نهج البلاغه آشنا می‌شویم و راهکار استفاده از این کتاب را فرا می‌گیریم. آشنایی با نهج البلاغه را در دو بخش سامان دادیم: بخش نخست کلیاتی در باره نهج البلاغه است و بخش دوم شرح موضوعی برخی موضوعات در این اثر ماندگار است.^۲

۱. احمد غلامعلی در سال ۱۳۴۸ در تهران متولد شد. تحصیلات حوزوی خود را در حوزه علمیه قم آغاز کرد و نزد عالمان فرهیخته حوزه دانش آموخت. و در حوزه و دانشگاه به تدریس پرداخت. سپس راهی دانشگاه شد و کارشناسی ارشد خود را در رشته تفسیر اثری اخذ کرد و فعالیت‌های پژوهشی خود را با ورود به مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث سامان داد و تاکنون پاره‌ای علمی به همت ایشان منتشر شده است. و مشاوره علمی چندین پایان‌نامه را بر عهده گرفته است.
۲. حجة الاسلام والمسلمین غلامعلی هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث شهر ری و پژوهشگر گروه دانش نامه نگاری پژوهشگاه علوم و معارف حدیث می‌باشد.

این کتاب برگرفته از کتاب شناخته‌نامه نهج البلاغه اثر نگارنده است که سازمان سمت زحمات انتشار آن را پذیرفته است.